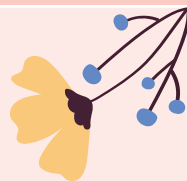
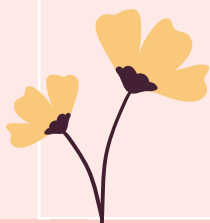


شماره ۹۳ ، بهار ۲۰۲۲  
مجله خدمتگزاران انجیل

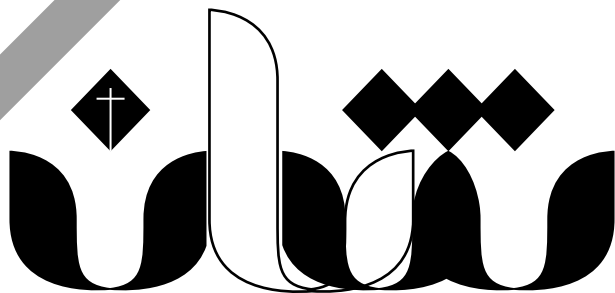


شبان

Shaban Magazine



پرونده: کتاب روت  
باورهای شاهدان یهوه  
خادم مشتاق از تت استیوارت



Shaban  Magazine



انتشارات جسم  
جهان ادبیات مسیحی

شماره ۹۳ - بهار ۲۰۲۲  
مجله خدمتگزاران انجیل



[www.shabanmag.com](http://www.shabanmag.com)

شبان  
مجله خدمتگزاران انجیل  
شماره ۹۳ - بهار ۲۰۲۲

### باور ما

هدف مجله شبان این است که با فراهم آوردن منابع لازم الهیاتی و کاربردی، کلیساها، مبشرین و شبانان کوشا در امر گسترش انجیل در میان فارسی‌زبانان سراسر دنیا را تجهیز کند.

### روای ما

روای مجله شبان این است که راهبران قوم خدا، مردانی مجهز به کلام خدا و اصول شبانی باشند و در این راه، می‌کوشد تا با تغذیه نیازهای روحانی خدمتگزاران انجیل، به آنان کمک کند تا به راهبرانی بالغ برای ملکوت خدا و گسترش انجیل تبدیل شوند.

### دست اندرکاران

بنیانگذار: کشیش تت استیوارت  
طراحی و صفحه‌آرایی: نینت شاهوردیان  
نویسندگان این شماره: تت استیوارت، دان استیوارت، جاش مک‌داول، هرمان باوینک، گروه نویسندگان کانون شادی، ریچارد پرت، گروه نداگر

راه‌های تماس با شبان:

[www.shabanmag.com](http://www.shabanmag.com)

لطفا هدایای مالی خود را در وجه جود پراجکت به آدرس زیر ارسال کنید:

*The Jude Project*  
P O Box 532  
Ashburn, VA 20146

۱	حرف اول
۳	بررسی اجمالی کتاب روت
۹	کمک به والدین: درسی از روت
۱۵	جنبش رسولان نو - بخش دوم
۲۱	تثلیث الاهی - بخش دوم
۲۷	خادم مشتاق
۳۳	شاهدان یهوه



## حرف اول

نوروزتان پیروز! امیدواریم و دعا می‌کنیم که در این سال جدید، جهان از بیماری کووید رهایی پیدا کند و مردم بتوانند مثل گذشته به امور زندگی خود بپردازند. همچنین از تمام پیام‌های محبت‌آمیز و دعاهایی که برای سلامتی کشیش‌تان که در اوایل سال جاری میلادی به این بیماری مبتلا شده بودند ارسال کردید، صمیمانه سپاسگزاریم.

در این شماره از شبان، درباره کتاب روت خواهیم آموخت. باز هم با توجه به اهمیت حیاتی آموزش کودکان، درسی از کتاب روت برای رده سنی هفت و

هشت سال در کانون شادی گنجانده‌ایم. امیدواریم که معلمین کانون شادی با مطالعه و استفاده از این دروس نسل آینده‌ کلیسای ایران را آماده کنند. در کنار مقالات مربوط به کتاب روت، همچنین بخش دوم مقاله تئلیث از الیهیدان هلندی، هرمان باوینک، را در این شماره خواهید خواند. در پایان این شماره از شبان نیز بخش دوم مقاله‌ روشنگرانه خدمت نداگر، با عنوان «جنبش رسولان نو» قرار گرفته است.

می‌خواهیم یک بار دیگر شما را از راه‌اندازی وبسایت مجله شبان به نشانی [www.shabanmag.com](http://www.shabanmag.com) آگاه کنیم. در این وبسایت تمام مقالات مجله شبان از ابتدای آن، یعنی سال ۲۰۰۰، تا به امروز برای مطالعه و دانلود در اختیار شما قرار دارد. لطفا این منبع غنی و رایگان را به دوستان و هم‌کلیسایی‌های‌تان نیز معرفی کنید.





[Order@judeproject.org](mailto:Order@judeproject.org)

# بررسی اجمالی کتاب روت

دکتر ریچارد. ال. پرت

نویسنده: نویسنده ناشناخته است، اگرچه سنت ربایان، سموئیل نبی را نویسنده می‌داند.

هدف:

نشان دادن مشروعیت پادشاهی داوود علی‌رغم جد موآبی او یعنی روت.

تاریخ: ۱۰۰۰ قبل از میلاد.

## حقایق کلیدی:

\* تقدیر خدا گاهی سخت است، اما در نهایت او برای برکت قوم خود کار می‌کند.

\* محبت و سرسپردگی در خانواده که توسط شریعت خدا رهبری می‌شود شادی و خوشحالی را به همراه می‌آورد.

\* خاندان داوود از سلسله سلطنتی برگزیده و محترم خداوند بودند.

## نویسنده:

نویسنده کتاب روت، که به نام شخصیت اصلی آن نام‌گذاری شده، ناشناخته است. سنت ربایان می‌گوید که سموئیل نبی کتاب روت و همچنین داوران و اول و دوم سموئیل را نوشته است. اما شواهد اندکی برای تأیید این دیدگاه وجود دارد.

## زمان و مکان نگارش:

کتاب روت از وقایعی که در زمان داوران اتفاق افتاده‌اند گزارش می‌دهد، اما توضیح دربارهٔ یک رسم فراموش شده در روت ۴: ۷ نشان می‌دهد که این کتاب بسیار بعدتر از این دورهٔ زمانی نوشته شده است. دو مرتبه اشاره به داوود (روت ۴: ۱۷، ۲۲) به زمانی پس از آغاز سلطنت او به عنوان اولین تاریخ ممکن برای نگارش نهایی اشاره می‌کند.

تعیین آخرین تاریخ ممکن برای اتمام دشوارتر است. برخی از مفسرین به سندی وابسته به زبان‌شناسی اشاره می‌کنند که نشان‌دهندهٔ دوران پسا تبعید است (بعد از ۵۰۰ قبل از میلاد)، اما این سند قویاً رد شده است. احتمالاً شجره‌نامهٔ روت ۴: ۱۸-۲۲ به پادشاهی که در زمان نگارش کتاب حکومت می‌کرد، رسیده باشد، یعنی به داوود. به همین دلیل، احتمالاً درست است اینطور نتیجه‌گیری کنیم که کتاب روت در زمان حکومت داوود نوشته شده است.

## هدف و مشخصه‌ها

مفسرین مختلف مضامین اصلی متفاوتی را برای کتاب پیشنهاد کرده‌اند. در میان اهداف احتمالی دیگر، روت به عنوان توضیحی در نظر گرفته شده‌است که: (۱) یک بیگانه (حتی یک موآبی) می‌توانست حقیقتاً به خداوند وفادار باشد و در اسرائیل مقبولیت کامل پیدا کند. (۲) ویژگی‌های سرسپردگی و وفاداری به عهد که توسط یک بیگانه مجسم شدند می‌توانستند الگویی برای پاسخ اسرائیل به خداوند باشند، و (۳) خداوند به عنوان رهایی‌دهنده، خانوادهٔ تبعید شدهٔ اسرائیلی را رها و به سرزمین خود بازمی‌گرداند.

تمام این اظهارات نشان‌دهندهٔ برخی از موضوعات اصلی کتاب هستند. با این حال، با توجه به اشاره به داوود در روت ۴: ۱۷ و اشارهٔ تبارشناسانه به او (روت ۴: ۱۸-۲۲)، به نظر می‌رسد هدف اصلی به طور جدایی‌ناپذیری با حمایت از داوود به عنوان پادشاه مرتبط است. مشروعیت داوود و خاندان او علی‌رغم وجود یک موآبی در تبار او ثابت می‌شود. شریعت موسی مصرانه می‌گوید که پادشاه اسرائیل از میان «یکی از برادران آنها» (تثنیه ۱۷: ۱۵) می‌آید و موسی دربارهٔ زن موآبی هشدار داده بود (نک. اعداد ۲۵: ۱؛ ۳۱: ۱۳-۱۸). برای پرداختن به این مشکلات احتمالی دربارهٔ تبار داوود، این کتاب، روت را به عنوان زنی با شخصیت نجیب به تصویر می‌کشد (به یادداشت در روت ۳: ۱۱ مراجعه کنید) و به عنوان یک ایماندار واقعی (روت ۱: ۱۶)، از طریق مشیت خدا (روت ۱: ۱-۷)، و عمل قانونی از دواج لویرات یا زن‌برادرستانی (روت ۳: ۱-۸) وارد اسرائیل شده‌است. علاوه بر این، خدا با برکت دادن به روت او را تایید کرد (روت ۴: ۱۳-۱۷).

برخی از مسائلی که مفسران را مجذوب خود کرده مستقیماً از رموزی که در روایت وجود دارد ناشی می‌شود. این مسائل می‌توانند به دو گروه تقسیم شوند: (۱) سوالاتی دربارهٔ هدف که به دشواری‌ها در قدمت و منشا مربوط می‌شوند. (۲) عدم توانایی در درک پس‌زمینهٔ رسوم مشروع مختلف - به خصوص رابطهٔ بین ازدواج لویرات (تثنیه ۲۵: ۵-۱۰) و مسئولیت‌های خویشاوند رهایی (لاویان

۲۵: ۱-۵۵) - و اینکه چطور هر دوی این رسوم در اسرائیل به جا آورده می‌شد (پیدایش ۳۸: ۱-۳۰؛ اعداد ۲۷: ۱-۲۳؛ ۳۶: ۱-۱۳؛ ارمیا ۳۲: ۱-۴۴)، و (۳) مشکلات داخلی، مثل رابطه بین روت ۴: ۱۲ و روت ۴، ۱۷، شجره‌نامه در روت ۴: ۱۸-۲۲. انبوهی از متون ادبی با توافق نظر اندکی در برخی مواقع، به هر یک از این زمینه‌ها می‌پردازند. یکی از پدیده‌های قابل توجه پژوهش کتاب مقدس این است که چنین بحث‌های مهم و حتی تفرقه‌انگیزی نمی‌تواند تأثیر قدرتمند این روایت ساده را بر هر نسل از خوانندگان کمرنگ کند.

کتاب روت را می‌توان به عنوان یک داستان کوتاه یکپارچه توصیف کرد. این شامل خود داستان و یک شجره‌نامه پیوست شده است که داستان را با خاندان داوود مرتبط می‌کند (روت ۴: ۱۸-۲۲). پنج بخش طرح اصلی یک تناسب قابل تشخیص و عمدی را تشکیل می‌دهند: (۱) «تلخی و پوچی نعومی» (روت ۱: ۱-۲۲) با (۲) «برکت نعومی» توازن پیدا کرده است، (۳) «روت ولی نجات‌دهنده خود را پیدا می‌کند» (روت ۲: ۱-۲۳) با (۴) «بوعز ولی نجات‌دهنده روت می‌شود» (روت ۴: ۱-۱۲) توازن پیدا می‌کند، (۵) مرکز این داستان این است که «بوعز وعده یک ولی نجات‌دهنده را به روت می‌دهد» (روت ۳: ۱-۱۸). در هر یک از این بخش‌ها، بسیاری از ساختارهای دیگر اینچنینی ظاهر می‌شوند. به قسمت «مقدمه: رئوس مطالب» نگاه کنید.

اگرچه روایت روت به وضوح یک سند تاریخی مهم از دوره خویش است، با شدت و سیری چشمگیر همراه با تأثیرپذیری خفیفی از بهترین هنر داستان‌نویسی عبری روایت می‌شود. و با حرکت سریع و مختصر در مراحل مختلف، هر قسمت از این داستان با عناصری از کنایه و تعلیق همراه است که به سمفونی تحقق مشیت الهی کمک می‌کند. اگرچه به طور خاص فقط دو مرتبه به خداوند اشاره شده است (روت ۱: ۶؛ ۱۳: ۴)، اما خواننده در مورد حضور او در الهام‌بخشی به بازگشت نعومی، وفاداری به عهد روت و پابندی عادلانه بوعز به شریعت تردیدی ندارد.

## مسیح در روت:

مسیح در درجهٔ اول در کتاب روت به روشی که کتاب بر مشروعیت سلطنت داوود گواهی می‌دهد مکشوف شده است. اول، همانطور که این کتاب به داوود مشروعیت می‌بخشد، مسیح را نیز به عنوان ماشیح مشروعیت می‌بخشد. عیسی تاج و تخت اسرائیل را به دست آورد، زیرا او پسر کاملا وفادار داوود بود (مرقس ۱۰: ۴۷-۴۸؛ اعمال رسولان ۲: ۲۲-۳۶؛ رومیان ۱: ۲-۴). از آنجایی که متی و لوقا نویسندگان انجیل عمیقاً به نسب‌نامهٔ عیسی علاقه‌مند بودند (متی ۱: ۱-۱۷؛ لوقا ۳: ۲۳-۳۸)، پیروان مسیح می‌توانند مطمئن باشند که عهد جدید ادعا می‌کند عیسی همان ماشیح است. عیسی پادشاهی داوود را در خدمت زمینی‌اش بر پا کرد، و اکنون بر آن پادشاهی سلطنت می‌کند و آن پادشاهی را گسترش می‌دهد و روزی باز خواهد گشت تا سلطهٔ جهانی را به خاندان داوود بیاورد (عاموس ۹: ۱۱؛ اعمال رسولان ۱۵: ۱۴-۱۹).

دوم، علاقه‌ای که کتاب به یهودی شدن روت به عنوان یک غیر یهودی نشان می‌دهد، گسترش پادشاهی خدا به غیر یهودیان در زمان عهد جدید را پیش‌بینی می‌کند. چون روت ایمان ابراهیم را با ترک کشور و اقوامش به نمایش گذاشت و تحت مراقبت خداوند به سرزمین بیگانه رفت، برکتی را که در نسل ابراهیم به همهٔ امت‌ها داده شده بود دریافت کرد (پیدایش ۱۲: ۳). همانطور که روت با اسرائیل یکی شد، غیر یهودیان و یهودیان هم اکنون در یک جسم از طریق اتحادشان با مسیح با خدا آشتی کرده‌اند (افسیسیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۶).

سوم، تصویر ایده‌آل از بوعز، خویشاوند نجات‌دهندهٔ روت، به اظهار عهد جدید در این مورد که کلیسا عروس مسیح است هویت می‌بخشد (افسیسیان ۵: ۲۵-۲۷؛ مکاشفه ۱۹: ۱-۸؛ ۲۲: ۱۷). بوعز محبتی گرم و به دور از خودخواهی به دو بیوهٔ درمانده یعنی روت و نعومی نشان داد. این توصیف در مورد شخصیت بوعز دیدگاهی در این باره ارائه می‌دهد که مسیح چطور عاشقانه و به دور از خودخواهی عروس وابسته به خود یعنی کلیسا را دوست دارد.



[Order@judeproject.org](mailto:Order@judeproject.org)

کمک به والدین: درسی از روت  
گروه سنی هفت و هشت ساله

نویسندگان کانون شادی یوحنا

هدف: خدا ما را می‌خواند تا به والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود  
نیکویی کنیم.

مطالعه: کتاب روت

آمادگی:



## گفتگو و سوالات:

بچه‌ها، شما چند وقت یک بار به دیدن مادر بزرگ و پدر بزرگتان می‌روید؟  
برای‌شان چه کار می‌کنید؟  
در خانه چطور به والدین خود کمک می‌کنید؟ چه کار می‌کنید؟  
فکر می‌کنید آنها در آن موقع چه احساسی پیدا می‌کنند؟

## داستان کتاب مقدس:

پل: خوب بچه‌ها، همانطور که شما گفتید، همه ما به دیدن پدر بزرگ یا مادر بزرگمان می‌رویم و به خانواده‌مان کم و بیش کمک می‌کنیم. امروز می‌خواهیم در مورد کسی که خیلی به خانواده‌اش کمک می‌کرد صحبت کنیم.

وسایل مورد نیاز: فلانل یا فیلم‌های *Super Book* - نقشه بیت لحم.

داستان: در زمان‌های خیلی خیلی قدیم، خانواده‌ای بودند شامل یک مادر، یک پدر، دو پسر و دو عروس. طی مدتی پدر و دو پسر خانواده مردند. عروس‌ها خیلی ناراحت بودند، چون شوهران‌شان مرده بودند. حالا آنها تنها مانده بودند. چه کسی باید به آنها کمک می‌کرد؟ مادر خانواده، که او هم خیلی تنها شده بود و خیلی ناراحت بود چون عروسانش را خیلی دوست داشت با وجود اینکه برای خودش خیلی سخت بود اما برای اینکه عروسانش تنها نمانند و کسی کنارشان باشد تا بتواند به آنها کمک کند، به آنها گفت: «من تصمیم گرفته‌ام به کشور خودم که از اینجا خیلی دور است بروم. شما هم هر یک به خانه پدر و مادر خود باز گردید. خداوند شما را به خاطر کارهایی که برای من کردید و در زمان سختی با من بودید، برکت دهد.» و از آنها خداحافظی کرد. یکی از عروس‌ها با اینکه خیلی ناراحت شد، ولی حرف مادر شوهرش را گوش کرد و به نزد پدر و مادر خود برگشت، اما عروس دیگر که روت نام داشت، قبول نکرد. او خوب می‌دانست که اگر پیش

پدر و مادر خودش برود، زندگی خوبی خواهد داشت و آنها به او کمک خواهند کرد، اما اگر با مادرشوهرش به سرزمین او می‌رفت، در آنجا خیلی احساس غربت می‌کرد و مادرشوهر پیرش هم نمی‌توانست از او مراقبت کند. تازه خودش باید از او مراقبت می‌کرد اما او مادرشوهرش را خیلی دوست داشت و می‌خواست به او نیکویی کند، پس به مادرشوهرش گفت: «من تو را تنها نخواهم گذاشت. هر جا بروی با تو می‌آیم و هر کاری بکنی، با تو می‌آیم تا زمانی که بمیرم.» پس روت و مادرشوهرش وارد بیت‌لحم - سرزمین نعومی - شدند. (معلم روی نقشه، بیت‌لحم را به بچه‌ها نشان دهد.) آنها در خانه‌ای با هم زندگی می‌کردند. یک روز روت به مادرشوهرش گفت: «ما به غذا احتیاج داریم، اجازه بده به مزرعه‌ها بروم و گندم‌هایی را که باقی مانده است بچینم و به خانه بیاورم تا با آنها نان درست کنیم و بخوریم و گرسنه نمانیم.» مادرشوهر روت از اینکه روت به فکر او هم بود و به او هم نیکویی می‌کرد خیلی خوشحال شد و به روت گفت: «خیلی خوب دخترم، برو.» روت به مزرعه‌ای رفت و مشغول چیدن باقی‌مانده گندم‌ها شد. بوعز که صاحب کشتزار بود روت را دید و بعد از اینکه فهمید او کیست، به او اجازه داد که در آن کشتزار بماند و به خوشه‌چین‌های خود گفت: «خوشه‌ها را تمیز درو نکنید تا خوشه زیادتری برای روت باقی بماند.» بوعز هنگام ناهار به روت غذا داد و شب روت با دست پر به خانه برگشت. نعومی خیلی خوشحال شد. روت به فکر او هم بود و با اینکه خودش کار کرده بود و خیلی خسته شده بود، اما به نعومی هم نیکویی می‌کرد. نعومی پرسید: «به کشتزار چه کسی رفته بودی؟» روت گفت: «به کشتزار بوعز.» نعومی گفت: «بوعز فامیل شوهرم است.» پس از مدتی، بوعز از روت خوشش آمد اما ناگهان خبری شنید در مورد این که نعومی می‌خواهد خانه خود را بفروشد. بوعز تصمیم گرفت که خودش آن خانه را بخرد اما قرار بود که یکی دیگر از نزدیکان نعومی خانه را بخرد. بالاخره آن شخص از خرید خانه منصرف شد و باز بوعز، خانه نعومی را خرید و سپس با روت ازدواج کرد. آنها تصمیم گرفتند تا بچه‌دار شوند تا آن ملک به نام شوهر نعومی باقی

بماند. پس همین‌طور هم شد. به زودی روت پسری به دنیا آورد و همه به نعومی تبریک می‌گفتند که نوه‌دار شده است و نوه او به هنگام پیروی از او مراقبت خواهد کرد. نعومی خیلی خوشحال بود که عروسی دارد که همیشه به فکر اوست و به او نیکویی می‌کند.

### گفتگو و سوالات:

- ۱- بچه‌ها، به نظر شما روت چه جور آدمی بود؟ خوب یا بد؟ چرا؟
- ۲- فکر می‌کنید روت وقتی که این کار را کرد، چه احساسی داشت؟
- ۳- اگر شما به جای روت بودید چه کار می‌کردید؟ این کار را انجام می‌دادید؟ چرا؟
- ۴- شما چطور می‌توانید محبت‌تان را به افراد مسن و بزرگترهای خانواده نشان بدهید؟

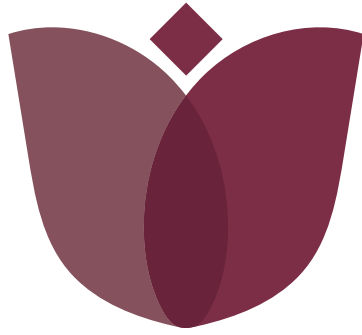
**کاربرد:** بچه‌ها قول دهند که در هفته آینده به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ‌شان بروند و کاری را برای آنها انجام دهند؛ مثل کمک کردن در کارهای خانه، خرید، رسیدگی به گل‌ها و ...

**جمله کاربردی:** من قول می‌دهم که در هفته آینده، به مادر بزرگم در سوزن نخ کردن و جمع‌آوری ظرف‌ها و شستشوی آنها کمک کنم.

### فعالیت:

وسایل مورد نیاز: قیچی، چسب، کاغذ کادوی طرح‌دار، خودکار  
بچه‌ها هر کدام یک کارت درست کنند که روی آن عکس‌هایی از طرح‌های کاغذ کادو باشد. بچه‌ها باید اطراف این طرح‌ها را قیچی کنند، آنها را از کاغذ کادو جدا کرده و به کارت بچسبانند و داخل آن کارت چیزی را بنویسند که

خودشان دوست دارند به پدر و مادر، یا پدربزرگ و مادربزرگ خود بگویند، و  
به آنها بدهند.



نداگر

[www.nedagar.com](http://www.nedagar.com)

## جنبش رسولان نو - بخش دوم

گروه نویسندگان نداگر

زیرا که مسیحیان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک، شما را پیش خبر دادم (متی ۲۴: ۲۴-۲۵).

در سال ۲۰۰۱، چارلز پیتر و گنراز دانشگاه الاهیات فولر (Fuller Seminary) بازنشسته شد. در این مقطع زمانی، او واژه «اصلاحات رسولان نو» را ابداع

کرد. اما، هنوز می‌بایست برای ساخت و پرداخت آن در اذهان بسیاری، قدم‌های بیشتری بر می‌داشت. در آن سال، وگنر فرصت مقتضی را یافت. از یک سو، سال ۲۰۰۱ بود و از سوی دیگر هواداران متعددی بین برخی از کلیساهای پروتستان که غالباً پنتیکاستی یا کاریزماتیک بودند را متوجه خود کرده بود. اما چرا سال ۲۰۰۱؟ وگنر با اشاره به سال ۱۹۰۱ به عنوان مبداء آغازین عطیة زبان‌ها (در مدرسهٔ بتل کانزاس)، سال ۲۰۰۱ (یکصدمین سالگرد) را «عصر دوم رسولان نامید.

او معتقد بود که اشخاصی چون اگنس آژمن، چارلز فاکس پرهم (موسس فرقهٔ پنتیکاستی) و سایرین در نقش رسولان عصر اول تجلی یافته بودند و اکنون او و سایرین، رسولان و پیامبران عصر جدید یا عصر دوم آن سده خواهند بود. (نداگر در خصوص زندگی و عملکرد این افراد در آینده مقالاتی را با خوانندگان به اشتراک خواهد گذاشت). در این راستا، او از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۱ به عنوان مدیر *Global Harvest Ministries* مشغول به کار شد و اقدام به تعلیم و تربیت افرادی در سطوح رهبری به منظور تشکیل هستهٔ مرکزی و رهبریت رسولان نو کرد. هدف او از ایجاد این جنبش، ایجاد فرقهٔ چهارم بعد از سه فرقهٔ اصلی کاتولیک، ارتدوکس شرقی، و پروتستان بود. هرچند بخش عمدهٔ این جنبش متشکل از مسیحیانی بود که از زمینهٔ پنتیکاستی و کاریزماتیک بودند. اما، وگنر با اشاره به افسسیان ۴: ۱۱، تلاشی خاص در ایجاد مرزی بین این جنبش مدرن با الهیات کلاسیک و سنتی پنتیکاستی و کاریزماتیک داشت. در این آیه، پولس رسول می‌نویسد: «و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را.»

این آیه‌ای است که ما را در درک الهیات و ذهنیت وگنر یاری خواهد کرد. تاکید وی با اشاره به آیهٔ فوق، تلاشی بود تا بستری برای کلیسای آتی خود ایجاد کند. رهبرانی که در ابتدا، کلیسا را به عنوان بستری برای اعمال و ایجاد یک حکومت مذهبی در حوزهٔ کلیسا و سپس قدم گذاشتن در ماورای مرزهای کلیسا،

یعنی کنترل و دخالت در روند مدنی، قانونگذاری، و اجرای اصول مذهبی در جامعه سکولار و انسانی بینند تا زمینه بازگشت مسیح را فراهم کنند. رهبرانی در مقام نبی و رسول با نفوذ و قدرتی به مراتب گسترده‌تر و بیشتر از آنچه در کلیسا برای کشیش و شورای آن تعریف شده است. قابل ذکر است که در زمان نشر این مقاله، هر پرسشی از غالب خادمین کلیسایی و مسیحی پیرامون مشخصه این جنبش غالباً با سکوت روبرو است.

آنچه بیشتر سبب نگرانی است عدم اطلاع خادمین و مسیحیان از این الاهیات و فلسفه آن نیست. بلکه، نفوذ آنان در بین بسیاری از کلیساهای غربی است. کلیساها و سازمان‌های به اصطلاح مسیحی که کلیساها، و مدارس «مسیحی» ایرانی ندانسته از آنان تعلیم گرفته (در قالب حمایت مالی) و از آن تعلیمات، کورکورانه تبعیت خواهند کرد. بدون شک، برخی از خوانندگان این مقاله متوجه فعالیت و ادعای کم‌رنگ برخی نبی‌های خودخوانده ایرانی در ایالت تگزاس و کشور انگلیس از کلیسای پنتیکاستی و کاریزماتیک ایرانی شده‌اند.

### جنبش «رسولان نو» چیست؟

جنبش رسولان نو، جنبشی پنهان ولی وسیع است که با رشدی سرطانی در ایالات متحده در حال گسترش است. هدف غایی این جنبش بازگرداندن مقام رسولان و جایگاه نبی در حوزه مافوق کلیساست. رسولان و انبیایی که مدعی داشتن اقتدار و مکاشفه‌ای نو هستند. آنچه در صدر امور و اهداف این رسولان قرار دارد اجمالاً عبارت است از: تشویق همه به گرویدن و اعتقاد به ایمان مسیحی و فراهم آوردن شرایطی برای برقراری سلطنت مسیح بر روی زمین. در این بخش، پس از کمی تامل پاسخ به برخی از پرسش‌ها حیاتی است چرا که پذیرش و تایید هرگونه ادعایی تحت عنوان کتاب مقدس، کلیسا، و مذهب خالی از خطر نیست. رسولان و انبیای این جنبش مدعی هستند که حامل و پیام‌آور مکاشفه‌ای نو هستند - مکاشفه‌ای که به همراه سیاست و تدبیر است و آن را عطیه‌ای از خداوند



اعلام می‌کنند. عطیه‌ای تا نیروهای شریر محیط بر جوامع انسانی را به اسارت درآورند و برای تحقق این رویا، کلیسا (کلیه اعضا و رهبران) می‌باید مطیع و تحت رهبری و مدیریت آنان قرار بگیرند. وسعت و عمق این مدیریت محدود به یک کلیسا نیست. در برخی از موارد آنان صدها کلیسا را تحت مدیریت و رهبری خود دارند. اقتداری به مراتب فراتر از اقتدار یک شبان، کشیش، و یا مجمعی از مشایخ. بدون این حضور و سرکردگی این گروه خاص، خداوند مکاشفه‌نو را به آن کلیسا یا کلیساهای ارزانی نخواهد کرد.

### مکاشفه‌ای نو و تازه

رسولان مدرن، بالطبع مدعی دریافت رویا و پیغام‌های خاصی از خداوند هستند که به مکاشفه‌ای برای کلیسا و سلطنت آتی خداوند بر روی زمین منتهی است. اما، جوهره این نوع مکاشفه گاهی بسیار سلطه‌گرانه است چرا که عدم موافقت عضوی از کلیسا، شخص را از اراده خدا خارج قرار می‌دهد و او را محارب با خدا قلمداد خواهد کرد. نکته‌ای که هر شخص باید به آن توجه داشته باشد، مقام و رتبه آن رویا و مکاشفه است، چرا که فرمان یا خواست رسول (یا نبی) در رتبه برابر با کلام خدا (کتاب مقدس) قلمداد می‌شود. در ورای آموزه‌های این جنبش، مخالفت با خواست و تصمیم رسول یا ابراز عدم موافقت شخص خاطی متهم به داشتن روح شریر (که به آن روح ایزابل یا روح مذهبی هم می‌گویند) می‌شود.

واژه «روح ایزابل» مفهومی برگرفته و برگزیده از کتب اول و دوم پادشاهان است. همچنین، اصطلاح «روح مذهب جمعی»، بنا به تعلیم رهبران این جنبش، روح خبیث یا اهریمنی است که در کلیسای امروزی در بین ایمانداران باعث ایجاد شقاق و عدم اجازه همسانی و همگامی با رسولان و انبیای کلیسا می‌شود. برای برخی از خوانندگان این نوع واژگان و اصطلاحات ممکن است حامل نوعی تندروی باشد. اما، این تعلیمی است که در بسیاری از کلیساهای کاریزماتیک و پنتیکاستی ایالات متحده و تدریجا در سایر مناطق جهان در شرف گسترش

است. لازم به تذکر است که این جنبش نیز مانند سایر فرقه‌ها دارای طیفی وسیع از آموزه‌هاست و گاهی چنین کلیساهایی عملاً به یک شکل و رویه مدیریت و رهبری نمی‌شوند. از آنجایی که جنبش «رسولان نو» فاقد هرگونه ساختار فرقه‌ای یا سازمانی است، بالطبع دستورالعمل یا اعتقادنامه‌ای رسمی برای روشن کردن اعتقادات، رهبران، و کلیساهای آنان نیز وجود ندارد. این ویژگی و تفاوت از آشکار شدن آموزه‌های این جنبش ممانعت می‌کند. در حقیقت، یکی از عوامل خاص در پنهان کردن چهره واقعی این جنبش همین است چرا که بسیاری از اعضا و شرکت‌کنندگان چنین کلیساهایی هنوز از ماهیت اصلی این کلیسا بی‌خبرند. از دیگر ویژگی‌های این جنبش، تعریف نو و جدیدی از آموزه آخرت‌شناسی است. این آموزه که «آخرت‌شناسی پیروزمندانه» نامیده می‌شود، گویای این واقعیت است که نقطه نظر این گروه در جهت معکوس تفسیر کلاسیک و تاریخی کلیسا است. بدین مفهوم که آینده کلیسا و جهان، علیرغم آنچه از گذشته تا به امروز بدان مدعی بوده لزوماً نباید مشمول سختی و چالش باشد. در این تفسیر، مسیحیان و کلیسای مجهز به آن مکاشفه نو، (ارزانی شده توسط رسولان نو) پیروزمندانه قلمرو شیطان و آن اسارتی را که ملل را به بندگی خود در آورده است را شکست خواهد داد تا زمین را برای سلطنت و پادشاهی مسیح آماده کنند. مایک بکل مدعی است که مصیبت و بلاهای مذکور در کتاب مکاشفه اشاره به کار رسولان و انبیای نو برای از بین بردن دشمنان خدا و بی‌ایمانان در روزهای آخر است.

## تثلیث الاهی - بخش دوم

هرمان باوینک

مکاشفه وحدانیت خدا برای قوم اسرائیل نیز به شدت ضروری بود. اسرائیل از هر طرف از سوی هیتی‌ها محاصره شده بود، هیتی‌هایی که همیشه تلاش کردند اسرائیل را به ارتداد و خیانت به خداوند وسوسه کنند؛ علاوه بر این، از آن زمان تا به اسارت بخش بزرگی از قوم اسرائیل خود مجذوب بت پرستی بی‌خدایان و پرستش تمثال شده بودند و بارها و بارها علی‌رغم تجویز شریعت و هشدارهای انبیا به این طرق روی آوردند. بنابراین، خود خدا تاکید را بر این واقعیت گذاشت که او، خداوندی که بر موسی ظاهر می‌شد و می‌خواست قومش را از طریق

موسی نجات دهد، همان خدایی بود که خود را به ابراهیم، اسحاق و یعقوب به عنوان خدای قادر مطلق نمایانده بود (خروج ۳: ۶ و ۱۵). وقتی خدا شریعتش را به اسرائیل داد، در مقدمه آن نوشت: من خداوند خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم. و در فرمان اول و فرمان دوم، او به شدت هرگونه بت پرستی و تمثال پرستی را منع کرد (خروج ۲۰: ۲-۵). زیرا که خداوند خدای ما یکی است، اسرائیل باید او را با تمام قلب، با تمام جان، و با همه قوت دوست داشته باشد (تثنیه ۶: ۴-۵). فقط خداوند خدای اسرائیل است و به این ترتیب اسرائیل فقط باید او را خدمت کند.

با این حال، علی‌رغم این واقعیت که وحدانیت خدا با قدرت مورد تاکید قرار گرفته است، چنانکه اینگونه بود، اولین ماده از شریعت اصلی اسرائیل را شامل می‌شود که تمایزات فی‌مابین خدائیم خداوندی را نیز با پیشرفت مکاشفه پُری او روشن می‌سازد. همان نامی که معمولا در زبان اصلی عبری برای اشاره به خدا استفاده می‌شود، در این بخش اهمیت مشخصی دارد. زیرا که نام الوهیم، در شکل جمع خود، به این ترتیب، با اینکه چنین نمی‌کند، پیش‌تر و عملاً تصور بر این بود، برای سه شخص وجود الهی برگزیده می‌شود که اینگونه در شکل ذات جمع‌گونه آن به پری زندگی و قدرت حاضر در خدا اشاره دارد. شکی نیست که در ارتباط با همان واقعیت است که خدا بعضاً وقتی درباره خویشتن سخن می‌گوید، از ارجاع ضمیر جمع استفاده می‌کند و با این ابزار مشخص می‌کند که در او شخصیت فردی حاکم است (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۲۲ و اشعیا ۶: ۸).

تعلیم عهد عتیق در زمینه این‌که خدا همه چیز در آفرینش و مشیت خود را با کلام و روحش به وجود می‌آورد حائز اهمیتی فراتر است. او وجودی انسانی نیست که در ازای دشواری و تلاش عظیم چیزی را از سایر مواد در اختیار خود بسازد. بلکه او صرفاً با عمل سخن گفتن، همه چیز را از هیچ به وجود می‌آورد. این حقیقت در اولین فصل پیدایش به والاترین روش ممکن به ما آموخته شده و در جای دیگری هم به باشکوه‌ترین وجه در کلام و سرود بیان شده است. او گفت

و شد؛ او امر فرمود و قایم گردید (مزمور ۳۳: ۹). کلام خود را می فرستد و آنها را می گدازد (مزمور ۱۴۷: ۱۸). صدای او فرای آبهاست، صحرا را می لرزاند؛ تپه‌ها را مثل گوساله می جهانند و جنگل‌ها را کشف می کند (مزمور ۲۹: ۳-۱۰). دو حقیقت در این روایت والا درباره کارهای خدا هست: اول اینکه، خدا آن متعالی است که باید بگوید و همه چیز به وجود آیند و کلام او قانون است (مزمور ۳۳: ۹) و صدایش نیرومند است (مزمور ۲۹: ۴)؛ دوم آنکه، خدا عامدانه عمل می کند و بدون فکر قبلی عملی از او سر نمی زند و کارهایش را با بالاترین حکمت ممکن به انجام می رساند. کلامی که خدا می گوید نیرومند است اما حامل تفکر نیز هست. او زمین را با قدرتش ساخته، و دنیا را با حکمت مستقر کرده و آسمان را با اراده اش گسترده است (ارمیا ۱۰: ۱۲ و ۵۱: ۱۵). او همه اعمالش را با حکمت به انجام رسانده: زمین پر است از دولت او (مزمور ۱۰۴: ۲۴). این حکمت خدا از بیرون خود خدا بر او نیامده بلکه از ابتدا با او بود و به عنوان اصل طبیعتش پیش از این کارهای ایام قدیم در تصاحب او بوده است. وقتی آسمان‌ها را آماده کرد و دایره‌ای بر سطح لجه‌ها قرار داد، و ابرها بر روی آن برقرار کرد، و چشمه‌های لجه‌ها را قدرتمند کرد، آن زمان حکمت آنجا بود و همه‌روزه و همیشه خرامان پیش روی او همراهش بود (امثال ۸: ۲۲-۳۱ و یعقوب ۲۰: ۲۰-۲۸). خدا به حکمتی که جهان را آفرید شادمان بود.

روح خدا در کنار این کلام و حکمت به عنوان میانجی خلقت، درست چون خدا در همان زمان ظاهر شد و در عین حال حکمت است و از آن بهره‌مند تا بتواند آن را تقسیم کند و در اعمالش به نمایش بگذارد و به همین جهت است که او خود در وجودش روح است (تثنیه ۴: ۱۲، ۱۵) و خود روح دارد، روحی که بدان می تواند در جهان ساکن شود و همیشه و همه زمان در آن حاضر باشد (مزمور ۱۳۹: ۷). خدا با روحش بدون هیچ مشاورتی از دیگری به همه چیز هستی بخشید (اشعیا ۴۰: ۱۳). در ابتدا، آن روح بر روی سطح آب‌ها حرکت کرد (پیدایش ۱: ۲) و در هر چه که آفریده فعالانه باقی است. خدا بدان روح آسمان‌ها را مزین می کند

(ایوب ۲۶: ۱۳)، صورت زمین را تازه می‌کند (مزمور ۱۰۴: ۳۰)، به انسان جان می‌بخشد (ایوب ۳۳: ۴)، دم را در نفخهٔ انسان پایدار نگاه می‌دارد (ایوب ۲۷: ۳)، بدو فهم و حکمت می‌بخشد (ایوب ۳۲: ۸)، و همچنین علف را می‌خشکاند و گل را می‌پژمرد (اشعیا ۴۰: ۷). خلاصه آنکه، به کلام خداوند، آسمان‌ها به وجود آمدند و به دم دهان او همهٔ این‌ها خلق شد (مزمور ۳۳: ۶).

و این تنوع وجودی خدا در اعمال خلقت دوبارهٔ او، حتی بیشتر بروز می‌یابند. در این صورت، این الوهیم نیست، بلکه یهوه، نه خدا در معنای عمومی آن، بلکه خداوند، خدای عهد، که خود را مکشوف می‌کند و خود را در اعجاب رستگاری و نجات می‌شناساند. بدین ترتیب، او قوم خود را بازپس می‌گیرد و آنها را هدایت می‌کند، نه فقط به کلام که سخن می‌گوید و یا بدان‌ها انتقال داده، بلکه از طریق فرشتهٔ عهد (فرشتهٔ خداوند). این فرشته در تاریخ پدران یا پاتریارخ‌ها ظاهر شده است: به هاجر (پیدایش ۱۶: ۶)، ابراهیم (پیدایش ۱۸) و یعقوب (پیدایش ۲۸: ۱۳). این فرشته فیض و قدرتش را به طور خاص در رهایی اسرائیل از اسارت مصر نمایان کرد. ۲۰ این فرشتهٔ خداوند در همان سطح سایر فرشتگان مخلوق قرار نمی‌گیرد بلکه او مکاشفهٔ خاص و مظهر خداست. از یک سو، به وضوح از خدا متمایز است که خدا از او به عنوان فرشته‌اش سخن می‌گوید ولی همچنان، از سوی دیگر، در نام، در قدرت، در نجات و برکت، در پرستش و حرمت یکی است. او در پیدایش ۱۶: ۱۳ خدا خوانده می‌شود، خدای بیت تیل در پیدایش ۳۱: ۱۳، و جای خود را با خدا یا خداوند عوض می‌کند (پیدایش ۲۸: ۳۰، ۳۲ و خروج ۳: ۴) و نام خدا را در خود به همراه دارد (خروج ۲۳: ۲۱). او از شرارت نجات می‌بخشد (پیدایش ۴۸: ۱۶)، و اسرائیل را از دست مصریان نجات می‌دهد (خروج ۳: ۸)، آب‌ها را می‌گشاید و دریا را خشک می‌گرداند (خروج ۱۴: ۲۱) و قوم خدا را بدان طرق حفظ می‌کند و به سلامت به کنعان می‌برد و باعث پیروزی آنان در مقابل دشمنان‌شان می‌شود (خروج ۳: ۸ و ۲۳: ۲۰) و کاملاً مورد پرستش واقع می‌شود؛ دقیقاً چون خودِ خدا (خروج ۲۳: ۲۰). و همیشه در

کنار کسانی است که ترس خداوند را دارند (مزمور ۳۴: ۷ و ۳۵: ۵).



خادم مشتاق

تت استیوارت

«که را بفرستم؟ و کیست که برای ما برود؟ گفتم: لیبک، مرا بفرست!»- (اشعیا  
۸:۶)

در بررسی خود به منظور درک الاهیات مربوط به دعوت به خدمت طبق کتاب مقدس، تا اینجا اکثر جنبه‌های آن را مورد مطالعه قرار دادیم. اکنون فقط یک بُعد دیگر مانده که بررسی خواهیم کرد. امید من این است که مطالعه ما شیبه



ماجرای مردی باشد که وارد آسانسور شد که در هر چهار دیوار آن، آینه بود؛ برای چند لحظه او با جنبه‌هایی از خویشتن روبرو شد که قبلاً ندیده بود. امید من این بوده که این مجموعه در زمینه تشخیص دعوت الاهی، به شما کمک کرده باشد که موضوع را تا حد امکان از جنبه‌های مختلف دیده و برای به خدمت به خداوند ما عیسای مسیح دلگرم شده باشید. اکنون به بررسی خصوصیات خادم مشتاق خواهیم پرداخت.

### خصوصیات خادم مشتاق

برای این منظور به‌جا است که به زندگی و خدمت پولس رسول نظری بیفکنیم، نه به این دلیل که او یگانه نمونه «خادم مشتاق» در کتاب مقدس می‌باشد، بلکه به این دلیل که او در نوشته‌های خود این امکان را فراهم ساخته تا بتوانیم به درون قلب و فکرش نگاه کنیم و به این طریق، اصولی را برای زندگی خود به دست آوریم. باید گفت که پولس مانند موسی، همواره خادم مشتاقی نبود اما خدا از طریق کار روح القدس، او را دگرگون ساخت. این خدا است که شعله اشتیاق را در دل خادم فروزان می‌سازد. نتیجه این کار مقدس در پولس چه بود؟

### اطمینان از دعوت خویش

پولس در اول تیموتائوس ۱: ۱ می‌نویسد: «پولس، رسول عیسای مسیح به حکم نجات‌دهنده ما خدا و مسیح عیسی خداوند که امید ما است.» خادم مشتاق از دعوت خود اطمینان دارد. او در تمام طول زندگی‌اش نیز به این اطمینان نیاز دارد؛ زیرا خدمت امری است بس دشوار و همراه است با تجربیاتی بس دردناک. اخیراً خادم دل‌شکسته‌ای نزد آمد و با اندوه پرسید: «تا کی باید اهانت‌های قوم خدا را تحمل کنم؟» پاسخی که دادم قطعا آن چیزی نبود که او انتظار داشت: «تا زمانی که خدا تو را دعوت کرده که خدمتش کنی!» هیچ خدمتی بدون درد نیست، اما فقط آنانی که از دعوت خود اطمینان دارند قادرند با محبت به خدمت

به ایمانداران سخت‌دل ادامه دهند. وقتی نتایج دلخواه را نمی‌بینیم و تایید مورد انتظار را دریافت نمی‌کنیم، اطمینان به دعوت الهی است که ما را به ادامه راه دلگرم می‌سازد.

## اطاعت از مشورت کلیسا

پولس رسول به واسطه تاییدی که از کلیسایش دریافت داشته بود (اعمال ۱۳: ۱-۳)، از دعوت خود اطمینان داشت. او و برنابا صبر کرده بودند تا کلیسای شان سفر بشارتی ایشان را تایید کند. خادم مشتاق آماده است تا به مشورت کلیسا گوش فرا دهد و از آن اطاعت کند. برادری را به خاطر دارم که می‌خواست واعظ بشود، اما عطای لازم را برای این خدمت نداشت. وقتی کلیسایش مانع موعظه او شد، او آن کلیسا را ترک کرد و کلیسای دیگری یافت که به او اجازه موعظه داد. او پیامی را که خدا از طریق مشایخ کلیسا به او می‌داد، نادیده گرفت؛ لذا تبدیل شد به خادمی جاه‌طلب و سر سخت.

## اطمینان از مسح الهی

پولس رسول به مسح خاص خود اشاره می‌کند و می‌فرماید: «شکر می‌کنم خداوند خود مسیح عیسی را که مرا تقویت داد، چونکه امین شمرده، به این خدمتم ممتاز فرمود» (اول تیموتائوس ۱: ۱۲). خدا پولس را با روح القدس برای خدمت مسح کرده بود. مفهوم «مسح کردن» در کتاب مقدس معنای عمیقی دارد. داوود نیز به دست سموئیل برای مقام پادشاهی مسح شد. مسح کردن به معنی دریافت قدرت برای دعوت الهی است. پولس می‌فرماید که خدا وفاداری او را پاداش داد و به او نیروی فوق طبیعی برای خدمت عطا فرمود. در دل خادم مشتاق این یقین وجود دارد که چنانچه بخواهد از حضور نیروبخش الهی در خدمتش برخوردار باشد، باید به ارباب خود و به کتاب مقدس وفادار بماند. بسیار غم‌انگیز است که می‌بینیم خادمین خداوند، بسیاری از احکام او را زیر پا می‌گذارند، اما توقع دارند

خدا خدمت‌شان را برکت دهد.

## آگاهی از ضعف‌های خود

پولس رسول بر ضرورت برخورداری از دلی فروتن و شناخت واقعی از خویشتن تاکید می‌فرماید. «سابقا کفرگو و مضر و سقط‌گو بودم، لیکن رحم یافتم از آن‌رو که از جهالت در بی‌ایمانی کردم» (اول تیموتائوس ۱: ۱۳). خادم مشتاق هیچگاه نباید از یاد ببرد که خدا او را از کجا بر آورده، و باید بداند که به سبب طبیعت سقوط کرده خود قادر است هر لحظه باز در گناه بیفتد. به یاد دارم که برادری در کلیسای ما بود که در هر جلسه عبادتی می‌گریست. یک بار علت را از او جویا شدم. پاسخش را هرگز از یاد نمی‌برم: «اگر کسی شما را از گدایی در کوچه‌ها نجات می‌داد و شما را به هتلی لوکس می‌برد، آیا چنین شخصی را هرگز از یاد می‌برید؟ این همان کاری است که عیسی با من کرد و هر بار که پرستش می‌کنم از شادی می‌گیرم.»

## جلال را خدا باید دریافت کند

در نوشته‌های پولس به تیموتائوس، درک او را از این حقیقت مهم مشاهده می‌کنیم که شباهت به مسیح در کسی بهتر دیده می‌شود که از ضعف‌های خود آگاه است تا در کسی که احساس اعتماد به نفس می‌کند. در واقع در کتاب مقدس الگویی را مشاهده می‌کنیم از کسانی که چون با دعوت الهی روبرو شدند، خود را ناکافی احساس کرده‌اند. پولس رسول می‌فرماید: «از این جهت بر من رحم شد تا اول در من، مسیح عیسی کمال حلم را ظاهر سازد تا آنانی را که به جهت حیات جاودانی به وی ایمان خواهند آورد، نمونه باشم» (اول تیموتائوس ۱: ۱۶). خادم مشتاق آماده است تا بگذارد مسیح به واسطه ضعف‌های بشری او بدرخشد تا نمونه‌ای باشد از قدرت رهایی‌بخش مسیح. اخیرا کسی به من یادآوری کرد که مادر ترزا از خانواده‌ای بسیار حقیر آمد؛ اما در نوجوانی دعا کرد و گفت:

«خداوندا، بگذار تا در دست تو مدادی باشم تا داستان زندگی ام را بنویسی.»  
 خدا با وفاداری به دعای او پاسخ داد. پولس رسول در آیه ۱۷، برکتی را برای خدمتش اعلام می کند و می فرماید: «باری، پادشاه سرمدی و باقی و نادیده را، خدای حکیم و وحید را اکرام و جلال تا ابدالآباد باد. آمین!» (اول تیموتائوس ۱: ۱۷). در نهایت، هر خادمی باید به این سوال دشوار پاسخ دهد که «چه کسی جلال را دریافت می دارد؟» وقتی دیگران به زندگی و خدمت شما فکر می کنند، دوست دارید چه بگویند؟ از دکتر ویلیام میلر، در واپسین روزهای زندگی اش پرسیدند: «می خواهی برای چه دعا کنیم؟» پاسخ داد: «دعا کنید که هیچگاه نام عیسی را ننگین نسازم!» من دکتر میلر را به خاطر روح مسیح که در او بود به یاد می آورم؛ و دعا می کنم که شما نیز به همین شکل به یاد آورده شوید.

### گفتار پایانی

مایلم یادآوری کنم که در کتاب مقدس نمونه های زیادی از خادمین برجسته و مشتاق وجود دارد که می توانند درس های مهمی به ما بیاموزند. ابراهیم «مشتاق» بود که به هر جا که خدا دعوت می کرد برود؛ شما چطور؟ اشعیا «مشتاق» بود تا هر چه را که خدا مایل بود بگوید، حتی اگر پیامش را رد می کردند؛ آیا شما مشتاقید که به کلام خدا وفادار بمانید، حتی اگر مورد تمسخر واقع شوید؟ یوشع «مشتاق» بود که به خدا توکل کند و مطیع او باشد، حتی وقتی خواست خدا با عقل او سازگار نبود؛ شما چطور؟ آیا به هر قیمتی از او اطاعت می کنید؟ دانیال «مشتاق» بود که در شعله های سوزان جفا وفادار بماند و خدا در کنار او ایستاد؛ شما چطور؟ آیا در میان شعله های آتش مخالفت ها و آزارها استوار خواهید ایستاد؟ صفحات تاریخ کلیسا پر است از شرح حال مردان و زنانی که خادمینی مشتاق بودند. وقتی فصل بعدی تاریخ کلیسا نوشته شود، آیا نام شما در میان نام کسانی خواهد بود که برای مسیح ایستادند و او را خوب خدمت کردند؟  
 بادا که چنین باشد. آمین!

# شاهدان یهوه

جاش مکداول و دان استیوارت

## تاریخچه

«شاهدان یهوه» که رسماً با نام «انجمن کتاب مقدس و جزوات واچتاور» (Watchtower Bible and Tract Society) شناخته می‌شوند، در نتیجه یک عمر کار و فعالیت «چارلز تیز راسل» (Charles Taze Russell) به وجود آمده‌اند. وی در ۱۶ فوریه ۱۸۵۲ در پیتزبورگ (Pittsburgh) پنسیلوانیا به دنیا آمد. در سال ۱۸۷۰، هنگامی که هنوز در سنین نوجوانی بود و فاقد هرگونه تحصیلات رسمی در زمینه‌ی الهیات، کلاس کتاب مقدس خود را

تشکیل داد که بعدها اعضای آن کلاس، وی را «شبان» خود نامیدند. او در سال ۱۸۷۹، مجله «واچ‌تاور» یا «برج دیده‌بانی صهیون» (Zion's Watchtower) را تاسیس کرد، که تفسیر خاص خود وی از کتاب مقدس در آن منتشر می‌شد. در سال ۱۸۸۶، جلد نخست آن هفت کتاب را (که شش جلد آنها را خود «راسل» به نگارش در آورد) تحت عنوان طلوع هزار ساله (Millennial Dawn) منتشر کرد (بعدها عنوان «مطالعاتی در کتب مقدسه» (Studies in the Scriptures) به این مجموعه کتب داده شد). «شبان» راسل، تا زمان مرگش در ۱۹۱۶، طبق ادعای واچ‌تاور، بیش از یک میلیون مایل سفر کرد، بیش از سی هزار موعظه ایراد نمود و کتاب‌های بسیاری مجموعاً بالغ بر پنجاه هزار صفحه نوشت («Qualified to be Ministers» یا «شایسته‌ی خادم خدا بودن»، انتشارات Anon، ص. ۳۱۰).

### جوزف ف. راترفورد

چند ماه پس از مرگ «چارلز تیز راسل»، مشاور قانونی انجمن، «جوزف فرانکلین راترفورد» (Joseph Franklin Rutherford) دومین رئیس انجمن واچ‌تاور شد. در مدت رهبری انجمن توسط وی بود که نام «شاهدان یهوه» برگزیده شد. راترفورد نه تنها مَقَر اصلی انجمن را به بروکلین منتقل ساخت، بلکه سلطه «تئوکراتیک» (حکومت به نام خدا) را بر آن برقرار ساخت تا قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، تماماً در دست وی باشد.

### ناتان نُور

«راترفورد» در سال ۱۹۴۲ درگذشت و «ناتان ه. نُور» (Nathan H. Knorr) جانشین او شد. در مدت ریاست «نُور» بود که تعداد اعضای انجمن از ۱۱۵۰۰۰ نفر به بیش از دو میلیون نفر افزایش یافت. در سال ۱۹۶۱ تحت رهبری «نُور»، این انجمن، ترجمه انگلیسی کتاب مقدس خود را تحت عنوان

«ترجمه جهان نو از کتب مقدسه» (The New World Translation of Holy Scriptures) منتشر ساخت.

هنگامی که «نور» در سال ۱۹۷۷ درگذشت، «فردریک و. فرانترز» (Fredrick W. Franz) رییس جدید واپچ تاور شد و در حال حاضر کارها را به شیوه «نور» اداره می‌کند. «فرانترز» سخنگوی هیئت مترجمان ترجمه جهان نو بود.

### ادعاهای شاهدان یهوه

امروزه تعداد اعضای «شاهدان یهوه» در سراسر جهان به بیش از دو میلیون نفر می‌رسد. اعضای آن غیور و صمیمی هستند و ادعا می‌کنند که کتاب مقدس تنها منبع معتبر آنان است. با این وجود، در الاهیات آنان، همه اعتقادات اساسی مسیحیت تاریخی شامل تثلیث، الوهیت عیسای مسیح، قیام جسمانی او، نجات به وسیله فیض از طریق ایمان، و تنبیه ابدی شیران، انکار شده‌اند.

«شبان» راسل که غرورش کاملاً به چشم می‌خورد، مدعی شده: «همه این را بدانند که هیچ نظام الاهیاتی دیگری ادعا یا حتی سعی هم نکرده که خود را با تک تک آیات کتاب مقدس منطبق سازد؛ ولی ادعای ما این است که چنین هستیم» (چارلز تیز راسل، «مطالعاتی در کتب مقدسه»، ۱: ۳۴۸). واپچ تاور در مورد خود چنین می‌گوید:

انجمن ما تنها مجرای جمعی خدا برای جاری شدن حقیقت کتاب مقدس به سوی انسان‌های روی زمین است (واپچ تاور، ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۰، ص. ۴۳۹).

انجمن کتاب مقدس و جزوات واپچ تاور بزرگترین موسسه جهان است، زیرا از زمان تاسیسیش تاکنون، خداوند از آن به عنوان مجرای جهت آشکار ساختن خبرهای خوش استفاده کرده است (واپچ تاور، ۱۹۱۷، ص. ۲۲، نقل شده در «مطالعاتی در کتب مقدسه»، ص. ۱۴۴).

«ف. و. فرانترز»، رییس واپچ تاور، در تاکید بر اینکه چطور تفاسیر آنان از جانب

خدا می‌رسند، اظهار داشت: «این تفسیرها به روح القدس منتقل می‌شوند که به صورت نامرئی با «شاهدان یهوه» و بخش تبلیغات ارتباط دارد» (Scottish Daily Express، ۲۴ نوامبر ۱۹۵۴).

از این گفته‌ها چنین نتیجه می‌گیریم و اچ‌تاور معتقد است که تنها سازمانی است که در جهان امروز از جانب خدا سخن می‌گوید. به این گفته از «شبان» راسل توجه کنید:

اگر شش جلد «مطالعات کتب مقدسه» عملاً خود کتاب مقدس و عناوین آن مطابق خود کتاب مقدس مرتب شده باشند، می‌توانیم نام این شش جلد را «کتاب مقدس به صورت مرتب شده» بگذاریم. این به آن معناست که محتوای این کتاب‌ها صرفاً تفاسیری در مورد کتاب مقدس نیستند، بلکه عملاً خود کتاب مقدس می‌باشند. علاوه بر این، نه تنها در می‌یابیم که مردم نمی‌توانند نقشه‌ی الهی را از طریق مطالعه‌ی خود کتاب مقدس بیابند، بلکه متوجه می‌شویم که اگر کسی «مطالعات کتب مقدسه» را حتی پس از استفاده، پس از آشنا شدن با آنها و پس از ده‌ها بار خواندن آنها کنار بگذارد و چشم بر آنها ببندد و صرفاً از خود کتاب مقدس استفاد کند - حتی اگر کتاب مقدس خود را طی ده سال درک کرده باشد، لیکن تجربه‌ی ما نشان می‌دهد که ظرف دو سال به تاریکی و جهل گرفتار می‌شود. از سویی دیگر، اگر او صرفاً «مطالعاتی در کتب مقدسه» را با ارجاعاتش خوانده بود و یک صفحه از خود کتاب مقدس را هم مطالعه نکرده بود، در پایان دو سال در نور بود، زیرا نور کتب مقدسه را در دست داشت (چارلز تیز راسل، و اچ‌تاور، ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۰، ص. ۲۹۸).

### منبع معتبر

و اچ‌تاور هیچ «اعتقادنامه‌ی ایمان» یا بیانیه‌ی تعلیمی معتبری را منتشر نساخته است.



دیدگاه‌های الاهیاتی آنان را می‌توان در نشریات‌شان از قبیل «برج دیده‌بانی یا واچ‌تاور» و «بیدار» (Awake) یافت. تعالیمی که از این آثار به دست می‌آید، معتبر تلقی می‌گردد.

آنان اظهار می‌دارند که منبع نهایی معتبرشان کتاب مقدس است:

شناختن خدای واقعی به معنای آن است که ببینیم خدا درباره آن حقیقتی که انسان را آزاد می‌سازد، چه می‌گوید؛ یعنی اینکه کلام خدا یا کتاب مقدس را باید به عنوان حقیقت بپذیریم. بنابراین، در این کتاب ما برای یافتن حقیقت به سراغ کتاب مقدس می‌رویم. ما موظفیم در تایید صحت و قابل اعتماد بودن آنچه در اینجا می‌گوییم، از کتاب مقدس نقل قول می‌کنیم ("Let God Be True" یا «بگذارید خدا همان خدای حقیقی باشد»، ۱۹۴۶، ص. ۹).

اگرچه واچ‌تاور می‌گوید که کتاب مقدس منبع نهایی معتبر آنان را تشکیل می‌دهد، لیکن متوجه می‌شویم که آنان برای توجیه عقاید خاص خودشان از کتب مقدسه سوءاستفاده می‌کنند. این امر عمدتاً به وسیله استخراج آیاتی از کتاب مقدس بدون توجه به زمینه آنها و حذف سایر آیات مرتبط با موضوع صورت می‌گیرد. در تمام اهداف عملی که دارند، مضامین نشریات آنان بر کتاب مقدس ارجح‌اند.

### تثلیث

واچ‌تاور به وضوح اعلام می‌کند که «شاهدان یهوه» به آموزه تثلیث ایمان ندارند. «عیسی یا مسیحیان اولیه هیچ تصویری از آموزه تثلیث در ذهن خویش نداشتند» («بگذارید خدا همان خدای حقیقی باشد»، ۱۹۵۲، ص. ۱۱۱). «حقیقت بدیهی این است که این هم یکی دیگر از تلاش‌های شیطان است که می‌کوشد شخص خدا ترس را از آموختن حقیقت یهوه و پسر او مسیح عیسی، باز بدارد» («بگذارید خدا همان خدای حقیقی باشد»، ص. ۹۳).

در الاهیات واچ تاور، عیسیای مسیح و روح القدس، هیچ یک خدا نیستند.

## نجات

در تعالیم الاهیاتی واچ تاور، نجات به عنوان هدیه‌ای رایگان از سوی خدا و مبتنی بر کار عیسیای مسیح بر روی صلیب تلقی نمی‌گردد، بلکه بر نجات توسط اعمال تاکید می‌کنند. «راسل» چنین نوشته است: «آنان باید از نابینایی و موت شفا یابند تا هر یک از آنها برای خودش بتواند با اطاعت یا نافرمانی، لیاقت داشتن حیات جاودانی در خود را به اثبات برساند» (چارلز تیز راسل، «مطالعاتی در کتب مقدسه»، جلد ۱، ص. ۱۵۸).

آنان در جایی دیگر چنین می‌گویند: «تمام کسانی که به علت ایمان به یهوه خدا و به مسیح عیسی، خودشان را وقف اراده خدا می‌کنند و پس از آن با ایمان، وقف خود را عملی می‌سازند، پاداش حیات جاودانی نصیب‌شان خواهد شد...» (بگذارید خدا همان خدای حقیقی باشد)، ص. ۲۹۸).

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ما فقط از طریق فیض و تنها به وسیله ایمان، نجات می‌یابیم. اعمال نیکوی انسان هرگز نمی‌تواند کمکی به نجات او کند. «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید به وسیله ایمان، و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند» (افسیان ۲: ۸-۹). «نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد» (تیتس ۳: ۵).

## مجازات ابدی

واچ تاور وجود جهنم را به عنوان مکانی که شریران در آن تا ابد مجازات خواهند شد، انکار می‌کند. آنها می‌گویند: «تعلیم وجود جهنم سوزانی که بدکاران در آن پس از مرگ تا ابد مورد شکنجه قرار خواهند گرفت، نمی‌تواند واقعیت داشته باشد، و این چهار دلیل عمده دارد: ۱) این تعلیم کاملاً غیر کتاب مقدسی است؛

۲) این تعلیم، غیر معقول است؛ ۳) این تعلیم با محبت خدا در تضاد است؛ و ۴) این تعلیم مخالف با عدل و انصاف است («بگذارید خدا همان خدای حقیقی باشد»، ص. ۹).

در پاسخ به این دلایل، می‌گوییم که این آموزه جهنم کاملاً کتاب مقدسی است: «... در هنگامی که عیسی‌ای خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود، در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما عیسی‌ای مسیح را اطاعت نمی‌کنند، که ایشان به قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید، از حضور خداوند و جلال قوت او» (دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۹).

متی ۲۵: ۴۶ از مجازات ابدی و حیات جاودانی در یک متن سخن می‌گوید: «و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت، اما عادلان در حیات جاودانی». برخلاف ادعای واچ‌تاور، آموزه مجازات ابدی، نه مخالف با محبت خدا است نه مخالف با عدالت او. عیسی‌ای مسیح گناهان تمام عالم را بر خویش گرفته است و حیات جاودانی را به تمام کسانی عطا می‌کند که این هدیه رایگان خدا را دریافت نمایند. اگر کسانی باشند که این پیشکش را رد کنند، آنگاه باید تاوان گناهان‌شان را خودشان بپردازند.

### پیشگویی‌های غلط

«وقتی که عیسی گفت دوباره خواهد آمد، منظور او این نبود که در جسمی خواهد آمد که انسان‌های روی زمین بتوانند او را ببینند. او آن زندگی زمینی را در کار کفاره عطا کرد و به همین علت نمی‌تواند دوباره آن را باز پس بگیرد... امروز خبر خوش این است که مسیح عیسی دوباره آمده است، ملکوت خدا را بر پا کرده و اکنون در آسمان حکومت می‌کند... تمام شواهد نشان می‌دهد که عیسی قدرت ملکوت خویش را در دست دارد و حکومت خود را از سال ۱۹۱۴ در آسمان آغاز کرده است» (جزوه، «This Good News of the Kingdom» یا «این

بشارت ملکوت»، صص. ۱۹ و ۲۱).

این عقیده که بازگشت ثانوی مسیح در سال ۱۹۱۴ صورت گرفته، از لحاظ الاهیات واچ‌تاور اهمیت بسیاری دارد. آنان می‌گویند که آن سال زمانی بود که ملکوت خدا به طور کامل در آسمان بر پا شد. با این وجود، این مطلب همواره تعلیم آنها نبوده است. قبل از سال ۱۹۱۴، واچ‌تاور پیشگویی می‌کرد که قرار است در سال ۱۹۱۴ ملکوت خدا بر روی زمین برقرار شود (نه در آسمان).

«زمان‌های امت‌ها تا سال ۱۹۱۴ ادامه خواهد یافت و ملکوت آسمانی تا آن زمان فرمانروایی کامل نخواهد داشت، لیکن «سنگ» ملکوت خدا در «روزهای این پادشاهان» برقرار می‌شود و با فرو بلعیدن آنان، تبدیل به ملکوتی جهانی خواهد شد - «کوهستانی عظیم که تمام زمین را پُر خواهد کرد» (Watchtower Reprints، جلد اول، مارس ۱۸۸۰، ص. ۸۲).

«چارلز تیز راسل» ضمناً اظهار داشت که دنیا شاهد «برقراری کامل ملکوت خدا بر زمین در سال ۱۹۱۴ خواهد بود؛ آنگاه زمان‌های امت‌ها به پایان خواهد رسید» (چ. ت. راسل، «ملکوت تو بیاید»، ۱۸۹۱، ص. ۱۲۶).

پیشگویی‌هایی که به وسیله راسل و واچ‌تاور در مورد سال ۱۹۱۴ بیان شدند، همگی شکست خوردند، زیرا ملکوت خدا بر روی زمین برقرار نشد. امروزه، همان طور که پیش‌تر نیز مشاهده کردیم، واچ‌تاور تعلیم می‌دهد که مسیح در سال ۱۹۱۴ به طور نامرئی بازگشت و ملکوتش را فقط در آسمان برقرار نمود. با این وجود، این عقیده آشکارا مخالف با تعلیم کتاب مقدسی راجع به بازگشت ثانوی مسیح به طور قابل مشاهده می‌شود: «... ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد» (اعمال ۱: ۱۱).

عیسی دربارهٔ چنین پیشگویی‌های دروغین در مورد بازگشت خود هشدار داد: «پس اگر شما را گویند، "اینک در صحراست"، بیرون مروید، یا آن که "در خلوت است"، باور مکنید، زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب

ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد» (متی ۲۴: ۲۶-۲۷). در عین حال، کتاب مقدس می‌گوید: «اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید...» (مکاشفه ۱: ۷).

### اصطلاحات شاهدان یهوه

نابودی (Annihilation) - به گفته «شاهدان یهوه»، بی‌ایمانان محکوم به مجازات ابدی نخواهند شد، بلکه نابود خواهند شد، یا آن که دیگر وجود نخواهند داشت.

آریوس (Arius) - مرتدی که در قرن چهارم میلادی می‌زیست و این حقیقت را که عیسای مسیح خدای ازلی و ابدی بود، زیر سوال می‌برد. استدلال‌های او علیه الوهیت مسیح، توسط گروه‌های دیگری نظیر «شاهدان یهوه» و یونیتاریان‌ها نیز تکرار شده است.

کریستادلفین‌ها (Christadelphins) - بدعتی که در سال ۱۸۴۸ توسط «جان توماس» (John Thomas) پایه‌گذاری شد. این بدعت در کنار سایر تعالیم غیر کتاب مقدسی‌اش تعلیم می‌دهد که عیسای مسیح، خدا نیست و روح القدس صرفاً یک نیرو می‌باشد. این بدعت را باید پیشرو «شاهدان یهوه» دانست.

فرانتز، فردریک و. (Franz, Frederick W) - رییس چهارم و فعلی انجمن کتاب مقدس و جزوات واچ‌تاور.

گله کوچک (Little Flock) - نام دیگر ۱۴۴۰۰۰ شاهد یهوه که پس از مرگ‌شان، در آسمان زندگی می‌کنند. سایر «شاهدان یهوه» از ورود به آسمان باز داشته می‌شوند و در عوض بر روی بهشت زندگی خواهند کرد.

میکائیل رییس فرشتگان - به گفته واچ‌تاور رییس فرشتگان، خلقت نخست یهوه می‌باشد. این رییس فرشتگان همان کسی است که بعدها به صورت انسان، یعنی عیسی، در می‌آید.

ناتان نور (Nathan Knorr) - رییس سوم انجمن کتاب مقدس و جزوات  
واچ تاور. در طی مدت ریاست او (۱۹۴۲-۱۹۷۷ م.)، تعدادی اعضای این گروه  
از ۱۱۵۰۰۰ نفر به بیش از دو میلیون نفر رسید.

«ترجمه جهان نو از کتب مقدسه» (New World Translation of the  
Holy Scriptures) - ترجمه رسمی کتاب مقدس توسط «شاهدان یهوه» که  
ویژگی خاص آن، تفسیرهای متعصبانه خود آنها است.

راسل، چارلز تیز (Russell, Charles Taze) - بنیانگذار آن گروهی که  
امروز «شاهدان یهوه» نام دارد (انجمن کتاب مقدس و جزوات واچ تاور). «راسل»  
نوشته‌های بسیاری از خود به جا گذاشت که از آن جمله می‌توان به اثری شش  
جلدی تحت عنوان «مطالعاتی در کتب مقدسه» اشاره کرد، که در آن به تفسیر  
تعالیم غلط خویش پرداخته است.

رادفورد، قاضی ج. ف. (Rutherford, Judge J. F.) - رییس دوم انجمن  
و کتاب مقدس و جزوات واچ تاور که در سال ۱۹۳۱ نام «شاهدان یهوه» را بر این  
گروه گذاشت. رادفورد در طی مدت ریاست خویش، مرکزیت «شاهدان یهوه»  
را در مقر امروزی آن در بروکلین نیویورک مستقر ساخته است.

مطالعاتی در کتب مقدسه (Studies in the Scriptures) - اثری هفت  
جلدی که شش جلد آن توسط «چارلز تیز راسل»، بنیان‌گذار «شاهدان یهوه»،  
نوشته شده است. او در این کتاب، تعالیم اساسی «شاهدان یهوه» را مورد تفسیر  
قرار داده است.

بیدار (The Awake) - نشریه واچ تاور که جهت تبلیغ عمومی در نظر گرفته  
شده است.

چنگ خدا (The Harp of God) - کتابی به قلم «قاضی جوزف رادفورد»،  
دومین رییس «شاهدان یهوه»، که الاهیات واچ تاور را در آن شرح می‌دهد.  
حقیقتی که به حیات ابدی هدایت می‌کند (The Truth That Leads  
to Everlasting Life) - کتاب آموزشی واچ تاور که جهت معرفی تعالیم

واچ تاور به افراد در نظر گرفته شده است.  
واچ تاور یا برج دیدبانی (The Watchtower) - یکی از سازمان‌های  
انتشاراتی رسمی «شاهدان یهوه».

## SHABAN MAGAZINE

*Pastoral Magazine for Farsi Speaking Ministers vol. 93*

### MISSION STATEMENT

*SHABAN Magazine provide essential support for churches, missionaries, and pastors who work to advance the Gospel among Farsi speakers all around the world.*

### VISION STATEMENT

*SHABAN builds a community of Christian ministers by nurturing their spiritual needs and enabling them to become mature leaders for the Kingdom and advancement of the Gospel.*

### CONTRIBUTORS

*Founder: Rev. Ashton R. Stewart*

*Design and Layout: Ninet Shahverdian*

*Contributors: Herman Bavinck, Tat Stewart, Don Stewart, Josh McDowel, St. John Sunday School Team, Nedagar Group, Richard L. Pratt*



## HOW TO FIND US

*[www.shabanmag.com](http://www.shabanmag.com)*

## HOW TO HELP US

*Make your Checks to The Jude Project*

*The Jude Project*

*P O Box 532*

*Ashburn, VA 20146*



[Order@judeproject.org](mailto:Order@judeproject.org)



JUDE PROJECT



اتحادیه کلیسای جهانی  
جهان ادبیات مسیحی